

هر روز با
قرآن و عترت

حفظ موضوعی
و آشنایی با معارف
آیات و روایات
شامل ۵۶ موضوع

فصل چهارم امامت

شامل گفتارهای:

- ادله‌ی عقلی و نقلی امامت
- ادله‌ی عصمت امامان علیهم‌السلام
- ادله‌ی امامت حضرت علی علیه‌السلام
- فضایل اهل بیت علیهم‌السلام
- مهدویت و امام زمان علیه‌السلام
- تولی و تبری

ادله‌ی عقلی و نقلی امامت

ضرورت عقلی پیروی از شایسته‌ترین فرد

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي
لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا
يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾

بگو: آیا از معبودان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟
بگو: فقط خداست که به سوی حق هدایت می‌کند؛ پس آیا کسی
که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی شدن شایسته‌تر
است یا کسی که هدایت نمی‌یابد مگر آن که هدایتش کنند؟ شما
را چه شده؟ چگونه [بدون دانش] داوری می‌کنید؟ (یونس، ۳۵)

توضیح: موضوع آیه‌ی فوق، نوعی استدلال بر یگانگی خداوند
است. خداوند در این آیه، از مشرکان می‌پرسد که آیا پیروی از
کسی مانند خدا که خود هدایت یافته و آگاه به مصالح و مفاسد
است، عقلانی و شایسته‌تر است یا پیروی از بت‌ها و معبودهایی
که از خود آگاهی و اختیاری نداشته و نمی‌توانند بندگان را به
مصالح خود راهنمایی کنند. علمای شیعه به پیروی از امامان،
از نوع استدلال فوق، برای اثبات امامت نیز بهره‌جسته‌اند؛ با
این توضیح که برای هدایت و راهنمایی بندگان پس از پیامبر
اسلام ﷺ، چه کسی بهتر از امامان معصوم علیهم‌السلام است که از علم
خداوندی برخوردار بوده و بتواند بندگان را به سرمنزل کمال و
رشد برساند؟!

حدیث: امام رضا علیه‌السلام: «خداوند از گنجینه‌های علم و حکمتش
به امامان عطا کرد؛ آن‌چه را به دیگران نداد. امامان برترین
مردم زمان خود و عالم‌ترین آنان بودند. خداوند می‌فرماید: أَفَمَنْ
يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ ... » کافی: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۱.

حشر مردم با امامان خود

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْئِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ
 كِتَبُهُ يَمِينُهُ فَأُولَٰئِكَ يَفْرَهُونَ
 كِتَبَهُمْ وَلَا يَظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾

[یاد کن] روزی را که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می خوانیم پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهند، پس آنان نامه خود را [با شادی و خوشحالی] می خوانند و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (اسراء، ۷۱)

توضیح: بنا بر اعتقاد شیعیان، لطف و حکمت خداوند متعال اقتضا می نماید تا در هر زمانی فردی را برای هدایت بندگان برگزیند. به عبارت دیگر، همان حکمتی که برای بعثت انبیاء گفته شد، برای ضرورت امامت نیز خواهد بود. در آیه ی فوق، این مطلب بیان شده که در روز قیامت هر فرد به همراه پیشوای خود محشور شده و از او بازخواست می شود. این به معنای اهمیت نقش رهبری در سرنوشت انسان هاست. با این وجود، باید به انتخاب برترین و کامل ترین پیشوای دینی پرداخت تا از گزند لغزش و گمراهی های احتمالی در امان باشیم. این خود دلیلی بر ضرورت نیاز به امام معصوم و حجت خدا در هر عصر است.

حدیث: امام صادق علیه السلام: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَلَا مَنْ اتَّخَذَ بِإِمَامٍ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَلْيَتَّبِعْهُ إِلَى حَيْثُ يَذْهَبُ بِهِ؛ وَفَتَى رُوزِ قِيَامَتِمْ مِی شُود، نَدایی از نزد خدای عزیز و جلیل می آید که: هر کس به امامی در دنیا اقتدا کرده، به دنبال او رود، به هر جا که می رود (بهشت یا جهنم)!» امالی طوسی: ص ۶۴ ج ۹۲.

وجوب اطاعت از اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می‌باشند] اطاعت کنید. و اگر درباره‌ی چیزی نزاع داشتید، آن را [برای فیصله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است. (نساء، ۵۹)

توضیح: آیه‌ی «اولوالأمر» یکی از مهم‌ترین آیات در اثبات امامت و عصمت امامان شیعه علیهم‌السلام می‌باشد. بنا بر این آیه، خداوند اطاعت از «اولوالأمر» را در کنار اطاعت از خود و رسولش قرار داده و از مؤمنان می‌خواهد در تمام امور زندگی خود از آنان اطاعت کنند. روایات متعددی در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده که همگی گواهی می‌دهند که منظور از «اولوالأمر» ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام می‌باشند و حتی در بیشتر آن‌ها نام امامان صریحاً ذکر شده است. گفتنی است این آیه هم دلیلی نقلی برای اثبات اصل امامت است؛ هم به ضمیمه‌ی روایات شأن نزول، امامت امامان شیعه علیهم‌السلام را اثبات می‌کند و هم لزوم عصمت آنان را می‌رساند؛ زیرا دستور به پیروی مطلق از آنان به معنای تأیید مطلقشان در همه‌ی امور و عصمتشان است.

حدیث: امام سجاد علیه‌السلام: «همانا خداوند پاکیزگان از نسل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برای امامت و پیشوایی بر تمام مکلفین برگزید و پیروی از ایشان را واجب کرد.» تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام ص ۹۹ ح ۳۵۶.

وجود هدایت‌کننده برای همه‌ی زمان‌ها

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

و کافران می‌گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه‌ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم‌دهنده‌ای [نه اعجاز‌کننده‌ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است. (رعد، ۷)

توضیح: یکی دیگر از آیاتی که به اثبات اصل امامت می‌پردازد، آیه‌ی «هادی امت» است. در این آیه خداوند ضمن دل‌داری به پیامبر ﷺ در برابر مخالفت مشرکان، آن حضرت را مورد خطاب قرار می‌دهد که تو تنها اندازکننده‌ای و مسئولیتی در قبال هدایت نیافتن آنان نداری و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است. شیعه و سنی از ابن عباس نقل کرده‌اند که پس از نزول آیه، پیامبر اکرم ﷺ دست مبارکشان را بر روی سینه گذاشتند و فرمودند: «مَنْ مُنْذِرٌ (اندازدهنده) هستم.» و آن‌گاه به امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره کردند و فرمودند: «و تو هادی (هدایت‌کننده) هستی که مؤمنان به وسیله‌ی تو هدایت می‌شوند.» از این آیه هم‌چنین فهمیده می‌شود که زمین هیچ‌گاه از هدایت‌گر خالی نمی‌شود.

حدیث: امام صادق علیه السلام: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَّسَاخَتْ؛ اگر زمین از امام خالی شود، در هم فرو می‌ریزد.» کافی، ج ۱ ص ۱۷۹ ح ۱۰.

تعیین وصی توسط موسی علیه السلام برای مدت کوتاه

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَتَمَّ
مِيقَتُ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ
هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ

الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾

و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزودن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت، و موسی [هنگامی که به میعادگاه می‌رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قومم جانشین من باش و به اصلاح برخیز و از راه و روش مفسدان پیروی مکن. (اعراف، ۱۴۲)

توضیح: در بحث نبوت گفته شد که پیامبران از هیچ تلاشی در انجام وظیفه‌ی ارشاد و هدایت‌گری دریغ نکرده و با تمام وجود با زمینه‌های گمراهی امتشان مبارزه کردند. از سویی، بزرگ‌ترین منشأ گمراهی هر امتی، نبود رهبر دینی و پیروی از افراد ناشایست در امور دینی است. بنابراین، نمی‌توان پذیرفت که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله - با وجود نگرانی زیاد نسبت به گمراهی امتش و وجود دشمنان فراوان برای ضربه زدن به دین اسلام - از انتخاب جانشین شایسته برای خود غافل مانده و امت را به حال خود رها کرده باشد. آیه‌ی فوق نیز از جانشینی هارون در زمان غیبت کوتاه موسی علیه السلام خبر می‌دهد.

حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - خطاب به حضرت علی علیه السلام - : «أَمَّا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي مِمَّنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ أَيَا رَاضِي نِيسْتِي كَهَ بَرَاي مَن هَمَانْد هَارُون بَرَاي موسی باشی؟ جز این که پیغمبری پس از من نخواهد بود.» امالی

ادله‌ی عصمت امامان

۱. آیه تطهیر

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ
أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾

... جز این نیست که همواره خدای خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه ی گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه نگه دارد. (احزاب، ۳۳)

توضیح: پیشتر به آیه ی «اولوالأمر» به عنوان یکی از دلایل قرآنی عصمت امامان علیهم‌السلام اشاره شد. آیه ی دیگر در این زمینه، آیه ی «تطهیر» است که بر طهارت و پاکی اهل بیت علیهم‌السلام از هرگونه آلودگی و پلیدی تأکید می‌کند. این آیه - که به اعتراف روایات سنی و شیعه درباره ی پنج تن آل عبا (حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام) نازل شده است - از اراده ی تکوینی خداوند مبنی بر دور ساختن ایشان از گناه و معصیت خبر می‌دهد. این بدان معنا نیست که عصمت آن خاندان اجباری بوده و از خود هیچ اختیاری نداشته‌اند؛ بلکه اختیاری و آگاهانه است، ولی مرتبه‌ای از تأییدات الهی را هم نیاز دارد.

حدیث: انس بن مالک (از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مدت شش ماه وقتی برای اقامه ی نماز صبح از خانه خارج می‌شد، چون به خانه ی فاطمه علیها‌السلام می‌رسید، می‌فرمود: ای اهل بیت من! برای نماز آماده شوید. آن گاه آیه ی تطهیر را می‌خواند.» سنن ترمذی: ج ۵ ص ۳۱ ح ۲۳۵۹.

۲. آیه ابتلاء

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١٢٤﴾

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به تکالیفی [بسیار مهم] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش فرمود: من تو را برای همه ی مردم پیشوا قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگارا] فرمود: پیمان [امامت] من به ستمکاران نمی رسد. (بقره، ۱۲۴)

توضیح: این آیه، از اعطای مقام امامت به ابراهیم علیه السلام پس از سربلندی آن حضرت از آزمایش های سخت الهی خبر می دهد. حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند امامت را برای نسل خود نیز درخواست کرد، ولی خداوند به او تأکید کرد که امامت مقامی خاص بوده که به ظالمان از نسل او نمی رسد. این آیه، یکی از دلایل معصوم بودن امام است؛ زیرا تصریح می کند که ظلم و بیدادگری، به هر نوعی و در هر جا و از هر کس، سبب محرومیت از مقام والای امامت می شود. از سویی، می دانیم که گناه و خطا نیز ظلم به خداوند و خویشتن به شمار می رود. بنابراین، لازمه ی اعطای مقام امامت، عصمت است. گفتنی است از این آیه روشن می گردد مقام امامت بالاتر از نبوت است؛ زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام پس از نبوتش به این مقام رسید.

حدیث: امام رضا علیه السلام «أَبْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِمَامَةَ كُلِّ ظَالِمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ این آیه، امامت و خلافت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل می سازد.» کافی: ج ۱ ص ۱۹۹ ح ۱.

۳. آیه صادقین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ

الصَّٰدِقِينَ ﴿١١٩﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید
[که کامل‌ترین‌شان پیامبران و اهل بیت او هستند.] (توبه، ۱۱۹)

توضیح: «صادقین» به کسانی گفته می‌شود که رفتار و گفتارشان مطابق با حق باشد. در آیه ی ۱۷۷ بقره، خداوند صادقان را کسانی معرفی کرده که از ایمان و اعمال صالح برخوردارند. در آیه ی ۶۹ نساء نیز، آنان را همراه با انبیاء و در زمره ی بهره‌مندان از نعمت بزرگ پروردگار دانسته است. با این توضیحات، روشن می‌گردد که صادقان حقیقی کسانی هستند که از اعماق وجود به خداوند متعال ایمان داشته و با جان و دل، بر درستی ایمانشان گواهی می‌دهند. این آیه ی شریفه، مؤمنان را به همراهی با صادقان و راست‌گویان فرا می‌خواند. در امر خداوند به پیروی از صادقین، هیچ گونه قید و شرطی وجود ندارد و مقصود از «صادقین» کسانی هستند که راستگویی آن‌ها معلوم است. بنابراین، صادقین همان معصومان علیهم‌السلام هستند که قول و عملشان با دین مطابقت داشته و جز راستی و درستی از آنان سر نمی‌زند.

حدیث: امام رضا علیه‌السلام - در تفسیر آیه ی فوق - : «الصَّٰدِقُونَ هُمُ الْأَئِمَّةُ وَ الصَّٰدِقُونَ بِطَاعَتِهِمْ»؛ مقصود از صادقین، ائمه علیهم‌السلام هستند که در اطاعت خداوند بسیار راست‌گو و راست‌کردار

هستند. » کافی: ج ۱ ص ۲۰۸ ح ۲.

ادله‌ی امامت حضرت علی (ع)

۱. آیه اکمال دین

... الْيَوْمَ يَيسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ دِينِكُمْ
فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ
دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ
الْإِسْلَامَ دِينًا... ﴿۳﴾

... امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده‌اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصب علی بن ابی طالب (ع)] به ولایت و امامت امت [دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم... (مائده، ۳)]

توضیح: به اجماع علمای شیعه و اعتراف بسیاری از علمای اهل سنت، این آیه در ماجرای غدیر خم و پس از نصب علی (ع) توسط پیامبر (ص) به امامت و جانشینی خود، نازل شده است. خداوند در این آیه، به مؤمنان مژده می‌دهد که با این کار، نعمت هدایت خود را بر مسلمانان تمام و دین اسلام را کامل ساخته است؛ زیرا مخالفان اسلام هیچ امیدی برای ضربه به پیکره‌ی این آیین را نخواهند داشت و بر این اساس، تنها آرزوی مرگ رسول خدا (ص) را داشتند تا پس از وی مسلمانان را از مسیر اسلام جدا سازند. از این رو، اعلام خلافت حضرت علی (ع)، تضمین ادامه‌ی راه مسلمانان و کامل‌کننده‌ی دین اسلام بود.

حدیث: امام علی (ع): «مردم زمانی هلاک شدند که میان امامان حق و باطل فرق نگذاشته و تصور کردند هر کس در جایگاه خلافت ایستاد، باید اطاعت شود.» بحار الانوار: ج ۹ ص ۱۷۶.

۲. آیه ولایت

إِنهَآ وَلِيكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ، وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَن يَتَوَلَّ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ،
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِن حِزَبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾

سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند، زکات می‌دهند. (۵۵) و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند]، و یقیناً حزب خدا پیروزند. (۵۶) **(مأئده)**

توضیح: این آیه زمانی نازل شد که امیر مؤمنان علی علیه السلام در هنگام نماز انگشتی خود را به فقیر نیازمند دادند. معنای «ولی» در این جا، سرپرست و رهبر است؛ نه دوست؛ زیرا اگر به معنای دوست بود، نیازی به حصر آن در این سه مورد (خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنانی که آن صفات را دارند) نبود. گفتنی است به کار رفتن صیغه ی جمع برای بیان خصوصیات یک فرد، امری متداول در ادبیات عرب است و شواهد قرآنی نیز دارد. (آل عمران، ۱۷۲ و ۱۶۱ / مأئده، ۵۲ و ...) هم چنین باید گفت اعطای انگشت در حال رکوع با حضور قلب آن حضرت در نماز، منافات ندارد؛ زیرا این کار نیز در مسیر رضای خدا و عبادت در عبادت است؛ نه روی گردانی از خدا و غفلت از او.

حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - پس از تلاوت آیه ی فوق -: «وَعَلَىٰ بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ مَّقْصُودَ ابْنِ أَبِيهِ، عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام است که نماز خواند و در حال رکوع، زکات داد. او همواره به دنبال رضای خداست.» احتجاج: ص ۵۹.

۳. آیه تبلیغ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ
لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ
النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ی ولایت و رهبری
امیرالمؤمنین (علیه السلام)] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی
پیام خدا را نرسانده ای. خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم ننگه
می دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (مائده، ۶۷)

توضیح: بنابر روایات متواتر شیعه و سنی، این آیه پیش از
واقعه ی غدیر خم نازل شده است. مضمون آیه گواه بر اهمیت
موضوعی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به ابلاغ آن شده است؛ زیرا
کوتاهی در ابلاغ آن را مساوی با بی ثمر بودن کل تبلیغ وی
می داند. می دانیم که در سال پایانی حیات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)،
عمده ی احکام و معارف دینی - ولو اجمالاً - بیان شده بود و
حکمی به این اهمیت وجود نداشت که اصل تبلیغ آن حضرت
را به خطر بیندازد. هم چنین، از پایان آیه فهمیده می شود
حکم مزبور، مربوط به مسائل سیاسی و حکومتی است؛ زیرا
کافران شدیداً با آن مخالف بودند. با همه ی این توضیحات
روشن می شود موضوعی که در آیه ی تبلیغ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور به
ابلاغ آن شده است، امامت و جانشینی حضرت علی (علیه السلام) پس از
وی می باشد.

حدیث: امام باقر (علیه السلام): «هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله)
دست علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بالا برد و فرمود: هر کس که من
مولای او هستم، علی (علیه السلام) نیز مولا و سرپرست اوست.» تفسیر

فهرات: ص ۱۲۴ ح ۱۲۴.

فضایل اهل بیت علیهم السلام

۱. آیه مباهله

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ
تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ
وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ

عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٦١﴾

پس هر که با تو درباره ی عیسی پس از آن که بر تو آگاهی آمد، گفتگوی بی منطق کند، بگو: بیایید ما پسرانمان و شما پسرانتان، و ما زنانمان و شما زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیکتان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (آل عمران، ۶۱)

توضیح: آیه «مباهله» از مهم ترین ادله ی قرآنی، در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام و سند روشنی بر حقانیت ایشان است که در بسیاری از احتجاجات ائمه علیهم السلام نیز از آن یاد شده است. این آیه، مربوط به ماجرای مسیحیان نجران با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می شود که با یکدیگر قرار گذاشتند تا برای اثبات حقانیت دین خود، یکدیگر را نفرین و از خدا طلب عذاب برای دیگری کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام برای مباهله حاضر شد، ولی رهبر مسیحیان با مشاهده ی پیامبر صلی الله علیه و آله -که با اطمینان خاطر، عزیزترین کسانش را برای مباهله حاضر کرده است- از مباهله صرف نظر نمود. این آیه بالاترین فضیلت را برای امیر مؤمنان علی علیه السلام اثبات می کند؛ زیرا او را عین نفس پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. از این رو، مقام آن حضرت برتر از انبیاء نیز می باشد.

حدیث: امام رضا علیه السلام: «این مزیتی است که احدی در آن بر اهل بیت علیهم السلام پیشی نگرفته و فضیلت و شرفی است که هیچ کسی به آن نرسیده و از آن برخوردار نبوده است.» عیون أخبار الرضا ج ۱ ص ۲۲۲ ح ۱.

۲. اهل بیت علیهم السلام: نور الهی (آیه نور)

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ

وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۳۵﴾

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانى است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گویی ستاره ی تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثل ها می زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست. (نور، ۳۵)

توضیح: آیه ی «نور» مشتمل بر تمثیلاتی است که با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام مقصود از آن روشن می گردد.

حدیث: امام صادق علیه السلام عناصر این آیه را این گونه تبیین نموده است: «مِشْكَاةٍ: يَعْنِي فَاطِمَةُ - مِصْبَاحٌ: يَعْنِي الْحَسَنُ - زُجَاجَةٌ: يَعْنِي الْحُسَيْنُ - كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ: يَعْنِي فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيَا - شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ: يَعْنِي إِبْرَاهِيمُ - لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ: يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةٍ وَلَا نَصْرَانِيَّةٍ - يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ: يَعْنِي يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِهَا - نُورٌ عَلَى نُورٍ: يَعْنِي إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ - يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ: يَعْنِي يَهْدِي اللَّهُ لِلْأُمَّةِ مَنْ يَشَاءُ» کافی ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۵.

۳. ستایش از خدا باوری اهل بیت علیهم السلام

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا أَسْمُهُ،
 يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا
 تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ
 وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ
 وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾

[این نور] در خانه‌هایی است که خدا اذن داده [شان و منزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود، همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند. (۳۶) مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند. (۳۷) (نور)

توضیح: این آیات، ادامه‌ی آیه‌ی «نور» است. در این آیات، اهل بیت مردانی معرفی شده‌اند که جز به خدا نمی‌اندیشند و خانه‌هایشان محل تسبیح و تقدیس خداست.

حدیث: امام باقر علیه السلام - در تفسیر آیه‌ی فوق - : «هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ مِنْهَا؛ مقصود از این خانه‌ها، خانه‌های انبیاء است و خانه‌ی علی علیه السلام نیز از آن جمله است.»

تفسیر قمی: ج ۲ ص ۱۰۴.

۴. پرسش از نعمت ولایت اهل بیت علیهم السلام در قیامت



ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

آن گاه شما در آن روز از نعمت ها بازپرسی خواهید شد (تکواثر، ۸)

توضیح: ولایت اهل بیت علیهم السلام بزرگ ترین نعمت خداوند و مظهر رحمت خاص پروردگار بر مؤمنان است. شواهد نقلی فراوانی بر این مدعا وجود دارد. آیه ی فوق بر این حقیقت تأکید دارد که در روز قیامت از انسان ها درباره ی نعمت های شان سؤال می شود. هنگامی که به آیه ی ۳ سوره ی مائده و شأن نزول آن مراجعه کنیم، خواهیم دانست که در روز غدیر و با نصب امیر مؤمنان علی علیه السلام به امامت خداوند مژده ی اتمام نعمتش بر مؤمنان را داده است. بنابراین، والاترین نعمت الهی، ولایت امامان علیهم السلام می باشد. امام رضا علیه السلام در حضور جمعی از فقهای اهل تسنن با استدلال به این آیه، امامت خویش را اثبات نمودند.

حدیث: امام رضا علیه السلام: «النَّعِيمُ، حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئُنَا؛

مقصود از «نعم» محبت ما اهل بیت و دوستی و پیروی از ماست که خداوند پس از توحید و نبوت، بندگان را از آن بازخواست

می کند. «عیون اخبار الرضا: ج ۲ ص ۱۲۹ ح ۸.

۵. مودّت اهل بیت علیهم السلام: مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي
الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ
عَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

این است چیزی که خدا آن را به بندگان که ایمان آورده و کارهای
شایسته انجام داده اند مژده می دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم]
هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکانم را [که بنا بر روایات معتبر اهل بیت علیهم السلام
هستند] نمی خواهم. و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی اش می افزاییم؛
یقیناً خدا بسیار آمرزنده و سپاسگزار است. (شوری، ۲۳)

توضیح: پیشتر گفته شد که پیامبران در ازای هدایت و ارشاد
مردم هیچ مزد و پاداشی طلب نمی کردند. خداوند در آیه ی فوق
- که به آیه ی «مودّت» مشهور است - به رسول خویش فرمان
می دهد تا به مردم بگوید: «برای ابلاغ رسالتش هیچ مزد و اجری
جز مودّت نزدیکانش نمی خواهد». این درخواست با مطلب
گذشته منافات ندارد؛ زیرا مودّت نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله - که همان
اهل بیت علیهم السلام هستند - نفعی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی رساند؛ بلکه
موجب رشد و کمال خود است. مردم به عبارت دیگر، مفاد این
آیه عیناً مطابق آیه ی ۵۷ فرقان است که قبلاً در موضوع ۵۴ به
آن اشاره شد.

حدیث: امام باقر علیه السلام در خصوص معنای این آیه - «الْإِقْتِرَافُ
التَّسْلِيمُ لَنَا وَ الصَّدُقُ عَلَيْنَا وَ لَا يَكْذِبُ عَلَيْنَا» مراد از «اقتراف
حسنه» (انجام کار نیک)، تسلیم بودن در برابر ما و تصدیق
سخنان ما و پرهیز از دروغ گویی علیه ماست» کافی: ج ۱ ص ۳۹۱ ح ۴.

۶. انفاق در هنگام سختی (آیه اطعام)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا
 كَافُورًا ﴿٥﴾ عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا
 تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالْذَّرِّ وَيَخَفُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا
 ﴿٧﴾ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
 ﴿٨﴾ إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا
 ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَتَطِيرًا ﴿١٠﴾

همانا نیکان همواره از جامی می نوشند که نوشیدنی اش
 آمیخته به کافور است. (۵) آن جام از چشمه ای است که همواره
 بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که
 بخواهند جاری می نمایند. (۶) همواره نذرشان را وفا می کنند،
 و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است می ترسند، (۷) و
 غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق
 می کنند. (۸) [و می گویند: ما شما را فقط برای خشنودی خدا
 اطعام می کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم.
 (۹) ما از پروردگارمان در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی
 است می ترسیم. (۱۰) (انسان)

توضیح: این آیات نیز بیان گر قطره ای از دریای بیکران فضایل
 اهل بیت علیهم السلام و به ویژه اخلاص، انفاق و خداترسی آنان است.

حدیث: امیر مؤمنان علی و حضرت فاطمه به همراه حسن و
 حسین علیهم السلام و خادمه ی خود، سه روز پیاپی روزه گرفته و در اوج
 گرسنگی و تنگدستی هنگام افطار، غذای خویش را در روز اول به
 فقیر و در روز دوم به یتیم و در روز سوم به اسیر دادند. این امر
 موجب نزول این آیات گردید. شرح مفصل این واقعه در کتب
 تفسیری و روایی آمده است. « رک: آمالی صدوق: ص ۲۵۷ ح ۱۱ »

۷. آیه اهل الذکر

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ
فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾

و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم نفرستادیم. اگر
[این حقیقت را] نمی‌دانید [که پیامبران از جنس بشر بودند] از اهل
دانش بپرسید. (نحل، ۴۳)

توضیح: مقصود از ذکر، حفظ و نگاهداری چیزی در قلب و زبان
است. به قرآن کریم و سایر کتب آسمانی «ذکر» گفته می‌شود؛
زیرا حقایق و معارف عمیقی را در خود حفظ کرده‌اند. با این
توضیح، مراد از «اهل الذکر» کسانی هستند که در اطلاع از احوالات
قرآن و مطالب آن متخصص و خبره هستند؛ زیرا تنها متخصصان
هر علم و فنی اهل آن خوانده می‌شوند. پس مصادیق حقیقی
اهل الذکر، مفسران واقعی قرآن؛ یعنی اهل بیت علیهم‌السلام هستند؛
اگرچه به تناسب هر پرسشی، ممکن است دیگران نیز مصداق
«اهل الذکر» قرار گیرند؛ چنان‌که در آیه‌ی فوق علمای یهود
مصادق آن بیان شده‌اند؛ زیرا به خصوصیات پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم در
تورات علم داشتند. در مجموع باید گفت، آیه‌ی فوق به اصل
عقلایی «وجوب مراجعه‌ی جاهل در هر فنی به عالم در آن فن»
اشاره می‌کند.

حدیث: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم: «الذِّكْرُ أَنَا وَ الْأَئِمَّةُ أَهْلُ الذِّكْرِ ؛
مقصود از «ذکر» من هستم و مقصود از «اهل الذکر» امامان علیهم‌السلام
هستند.» کافی: ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۱.

۸. اهل بیت علیهم السلام؛ وسیله‌ی تقرب به خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا
إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست‌آویزی [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقربان درگاهش] برای تقرب به سوی او بجوید؛ و در راه او جهاد کنید تا بر موانع راه سعادت پیروز شوید (مائده، ۳۵)

توضیح: آیه‌ی فوق - که به آیه‌ی «وسيله» یا «توسل» مشهور است - بر این مطلب تأکید می‌کند که برای وصول به رستگاری ابدی و بهره‌مندی از الطاف خاص پروردگار باید از وسایل و ابزار تقرب به وی استفاده کرد. مهم‌ترین وسایل تقرب به خداوند، ایمان به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جهاد و عباداتی هم چون نماز، زکات، روزه، حج، صله رحم و انفاق در راه خدا می‌باشد. توسل به اهل بیت علیهم السلام نیز تأثیر فراوانی در جلب محبت و فضل الهی دارد؛ زیرا آنان واسطه‌ی ارتباط میان مردم و خدا بوده و از مقام و منزلت والایی نزد خدای سبحان برخوردار هستند. با این توضیح، توسل نه تنها شرک نیست؛ بلکه ارتباط با خداوند از راهی است که مورد سفارش قرآن می‌باشد.

حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الْأُمَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ امامان از ذریه‌ی حسین - که هر کس آنان را اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده و هر کس از آنان نافرمانی کند، از خدا نافرمانی کرده است - همان دستگیره‌های محکم [تقوا] و وسیله به سوی تقرب خدا

هستند». عیون أخبار الرضا؛ ج ۲ ص ۵۸ ح ۲۱۷.

۹. فضیلت حضرت علی علیه السلام (آیه علم الکتاب)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ
كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ
عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

﴿۴۳﴾

کافران می گویند: تو فرستاده [خدا] نیستی. بگو: کافی است که خدا [با آیات حکیمانه قرآنش] و کسی [چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام] که دانش کتاب نزد اوست، میان من و شما [نسبت به پیامبری ام] گواه باشند (رعد، ۴۳)

توضیح: در این آیه، دو شاهد بر حقانیت نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ذکر می شود: ۱- خداوند و آیات قرآن که معجزه‌ی آن حضرت می باشد. ۲- فردی که دانش کتاب در اختیار او باشد. این فرد در روایات، امیر مؤمنان علی علیه السلام معرفی شده است. شگفت آن که، در آیه ی ۴۰ سوره ی نمل، حکایت اعجاب انگیزی از یکی از یاران سلیمان ذکر شده است که تخت ملکه ی سبا را در چشم به هم زدنی نزد سلیمان آورد. قرآن از آن فرد به عنوان «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» کسی که بخشی از علم کتاب در اختیارش بود» یاد می کند. از این مطلب، عظمت و گستردگی دانش امیر مؤمنان علیه السلام فهمیده می شود که تمام علم کتاب را در اختیار دارد.

حدیث: امام باقر علیه السلام در تبیین مراد از «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»: «إِيَّانَا عَنِّي وَ عَلِيٍّ أَوْلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله» مقصود، ما [اهل بیت علیهم السلام] هستیم و علی بن ابی طالب علیه السلام اولین و برترین ما پس از رسول خداست. «کافی: ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶»

۱۰. فضیلت حضرت علی علیه السلام (آیه نجوا)

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ نَجْوَتِكُمْ صَدَقْتُمْ فَإِذَا لَمْ
تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ
وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾

آیا ترسیدید پیش از گفتگوی محرمانه‌ی خود صدقاتی بپردازید؟
اکنون که نپرداختید خدا توبه‌ی شما را پذیرفت، پس نماز را برپا
دارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، و خدا به
اعمالی که انجام می‌دهید آگاه است. (۱۳، مجادله)

توضیح: گروهی از توانگران در بیشتر اوقات مزاحم پیامبر صلی الله علیه و آله
شده و با او نجوا می‌کردند. این کار موجب اندوه دیگران و تضییع
وقت گران بهای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گردید. خداوند برای امتحان آنان
حکم کرد که از این پس، افراد دارای تمکن مالی اگر می‌خواهند
با پیامبر صلی الله علیه و آله به طور خصوصی سخن بگویند، باید پیش از آن
صدقه‌ای در راه خدا بدهند. این آزمون الهی سبب گشت تا
همه‌ی آنان از نجوا با رسول خدا صلی الله علیه و آله پرهیز کنند. تنها کسی که
- به نقل روایات شیعه و سنی - هم چنان با آن حضرت مرادده
داشت و پیش از دیدار با آن حضرت صدقه می‌پرداخت، حضرت
علی علیه السلام بود. خداوند نیز با مشاهده‌ی دنیادوستی بیش از حد
اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و با نمایان شدن یار باوفای آن حضرت، این
حکم را نسخ کرد.

حدیث: امام علی علیه السلام: «إِنَّ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَآيَةً مَا عَمِلَ بِهَا
أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَعْمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي وَ هِيَ آيَةُ النَّجْوَى؛
آیه‌ای در قرآن است که احدی قبل از من و بعد از من به آن عمل
نکرده و نخواهد کرد و آن، آیه‌ی نجواست.» تفسیر قمی: ج ۲ ص ۳۵۷.

۱۱. فضیلت حضرت علی علیه السلام (انفاق)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

کسانی که [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند.
(بقره، ۲۷۴)

توضیح: فضایل امیرمؤمنان علی علیه السلام در قرآن فراتر از آن است که بتوان شرح داد. آن حضرت داراری برترین خصلت ها بود و مصداق بارز هر صفت نیکی است که در قرآن ذکر شده است. یکی از این فضایل، انفاق و صدقه دادن به مستمندان است. آیه ی فوق در شأن ایشان نازل شد و از او به جهت انفاق در همه ی احوال (آشکار و نهان، هنگام توانگری یا فقر و ...) ستایش می کند. بنا بر روایات، حضرت فقط چهار درهم داشت که یکی را در شب و یکی را در روز و یکی را پنهانی و آخری را آشکارا صدقه داد. البته وعده ی این آیه، شامل همه ی کسانی می شود که این گونه عمل کنند، ولی مصداق بارز و اولیه ی آن، حضرت علی علیه السلام می باشد.

حدیث: ابن عباس (از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله): «نَزَلَتْ ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾ فِي عَلِيٍّ؛ آیه ی فوق درباره ی علی علیه السلام نازل شد.» عیون أخبار الرضا: ج ۲ ص ۶۷ ح ۲۵۵.

۱۲. فضیلت حضرت علی علیه السلام (لیلة المبيت)

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

و از مردم کسی [مانند علی بن ابیطالب علیه السلام] است که جانش را برای خشنودی خدا می‌فروشد و خدا به بندگان مهربان است (بقره، ۲۰۷)

توضیح: در بسیاری از روایات شیعه و سنی نقل شده است که این آیه، در شأن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده که در «لیلة المبيت» در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید تا جان آن حضرت حفظ شود. «لیلة المبيت» شبی است که مشرکان قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله را کرده بودند، ولی خداوند رسولش را از توطئه‌ی آنان آگاه ساخت و آن حضرت تصمیم به خروج از مکه و هجرت به مدینه گرفت. در آن شب، پیامبر صلی الله علیه و آله برای این که مشرکان از هجرتش آگاه نگردند، از پسرعمویش؛ حضرت علی علیه السلام؛ خواست تا در بستر وی بخوابد. آن حضرت فداکارانه این پیشنهاد را پذیرفت و این چنین جان خویش را برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و جلب رضایت پروردگار در معرض خطر قرار داد. ابن ابی الحدید گوید: «این موضوع در حدی از تواتر است که جز کافریا دیوانه آن را انکار نمی‌کند.»

حدیث: امام سجاده علیه السلام: «أَوَّلُ مَنْ شَرَى نَفْسَهُ لِلَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؛ برترین کسی که جان خود را در راه خدا فروخت، علی بن ابی طالب بود.» مناقب ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۶۴.

۱۳. فضیلت حضرت علی علیه السلام (دابة الأرض)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ
 تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾
 وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا
 فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾

هنگامی که [دراوقات پایانی دنیا] وعده‌ی عذاب ما بر آنان لازم شود، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آنان سخن می‌گوید که مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲) [یاد کن] روزی که از هر امتی گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می‌کنند، محشور می‌کنیم و آنان را [از حرکت] باز می‌دارند [تا گروه‌های دیگر به آنان ملحق شوند]، (۸۳) (نمل)

توضیح: رجعت یکی از مسلمات مذهب شیعه و اعتقاد به آن از ضروریات این مذهب به شمار می‌رود. رجعت به این معناست که خداوند در آستانه‌ی رستاخیز گروهی از مؤمنان خالص و مستکبران بسیار شرور را به این جهان بازمی‌گرداند تا دولت صالحان تشکیل گردد و از ظالمان در همین دنیا انتقام گرفته شود. آیه‌ی ۸۳ یکی از دلایل قرآنی رجعت می‌باشد؛ زیرا در این آیه، خداوند از حشرو بازگرداندن گروهی از مردم خبر می‌دهد؛ نه همه‌ی آن‌ها. یکی از امامانی که در رجعت بازمی‌گردد، حضرت علی علیه السلام است که در آیه‌ی ۸۲ از او به عنوان «دابة الأرض» یاد شده است.

حدیث: امام علی علیه السلام: «أَنَا قَسِيمُ اللَّهِ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ... وَ الدَّابَّةُ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ؛ مَنْ تَقْسِمُ كُنْهَیْ بَهْشْتِ وَ دُوزْخِ ... وَ جنبنده‌ی بر روی زمین هستم که با مردم سخن می‌گویم.

[اشاره به آیه‌ی فوق] کافی: ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۳.

۱۴. فضیلت حضرت زهرا علیها السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ

(۲) إِنْ شِئْتَ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝ (۳)

به نام خداوند بخشنده ی مهربان * بی تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه ریشه می گیرد] عطا کردیم. (۱) پس [به شکرانه ی آن] برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن. (۲) یقیناً دشمن تو خود بدون نسل [و بریده از همه ی خیرات و برکات] است. (۳) (کوثر)

توضیح: افزون بر آیاتی که به طور مشترک بر فضیلت اهل بیت یا فضیلت پنج تن آل عبا علیهم السلام دلالت می کرد، آیاتی نیز به طور اختصاصی بر فضل و مقام معنوی حضرت زهرا علیها السلام دلالت می کند. در این میان، سوره ی کوثر جایگاه ویژه ای دارد. دشمنان از این که پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند پسری نداشت، بسیار خشنود بوده و بر آن حضرت خرده می گرفتند. از این رو، خداوند وجود پربرکت حضرت فاطمه علیها السلام را به وی ارزانی داشت و نسل او را پایدارترین نسل تاریخ نمود. در این سوره از آن حضرت به عنوان «الْكَوْثَرُ: خیر کثیر» یاد شده است.

حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَن سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَن سَاءَ مَا فَقَدْ سَاءَنِي فَاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِّيَّةِ عَلَيَّ؛ فاطمه علیها السلام پاره ی تن من است. هر که او را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته و هر که او را بیازارد، مرا آزرده است. فاطمه علیها السلام عزیزترین مردم نزد من است.» امالی مفید: ص ۲۶۰ ح ۲.

۱۵. فضیلت امام حسین علیه السلام

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً

مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخِلِي فِي عَبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخِلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷) به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است باز گرد. (۲۸) پس در میان بندگانم در آی (۲۹) و در بهشتم وارد شو. (۳۰) (فجر)

توضیح: افزون بر آیاتی که به طور مشترک بر فضیلت اهل بیت یا فضیلت پنج تن آل عبا علیهم السلام دلالت می‌کرد، آیاتی نیز به طور اختصاصی بر فضل و مقام معنوی امام حسین علیه السلام دلالت می‌کند. اسراء، ۳۳ / مریم، ۱ / حج، ۶۰ / احقاف، ۱۵ و ده‌ها آیه‌ی دیگر از این جمله است. در این میان، سوره‌ی فجر به عنوان سوره‌ی اختصاصی آن حضرت نامیده شده است و مراد از «نفس مطمئنه» در آیات پایانی آن سیدالشهداء علیه السلام دانسته شده است. گفتنی است مقصود از «نفس مطمئنه» نفسی است که از بند تعلقات دنیوی رهیده باشد و با یاد پروردگار و تسلیم محض در برابر او قرار گرفته باشد. خداوند هنگام قبض روح چنین نفسی به استقبال وی رفته و با خطابی مملو از تکریم و احترام، به او بشارت ورود به بهشت مخصوص خود را می‌دهد.

حدیث: امام صادق علیه السلام: «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ اسْتِلَالِ رُوحِهِ وَ اللَّحُوقِ بِالْمُنَادِي»؛ [هنگام قبض روح] هیچ چیز برای مؤمن محبوب‌تر از آن نیست که روحش از بدن جدا گشته و به منادی بپیوندد. (مقصود از منادی، خدا می‌باشد که ندای «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ...» را سر داده است.) . کافی: ج ۳ ص ۱۲۷ ح ۲.

امام زمان علیه السلام

۱. وراثت صالحان در زمین

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ

الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته‌ی ما به میراث می‌برند. (انبیاء، ۱۰۵)

توضیح: اعتقاد به حکومت صالحان در آخرالزمان، مورد اتفاق همه‌ی ادیان آسمانی می‌باشد. این اعتقاد که - با سیر تکاملی خلقت نیز سازگاری دارد - در دین اسلام با ظهور منجی و در مذهب شیعه با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد. همه‌ی پیامبران و اولیای خدا نوید ظهور آن حضرت را به صالحان داده‌اند. بنا بر آیه‌ی فوق، خداوند در تورات و نیز کتاب زبور - کتاب آسمانی حضرت داوود - به مؤمنان مژده داده است که صالحان وارثان زمین خواهند بود؛ یعنی آنان حکومت را از دیگران به ارث برده و صاحب شوکت و جاه می‌گردند. این مطلب هنوز نیز در مزامیر داوود در عهد قدیم از کتاب مقدس مشهود است. مقصود از صالحان در روایات شیعه، حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب او دانسته شده است.

حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پراز عدل و داد کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است» العیبة (طوسی): ص ۱۸۰.

۲. وعده‌ی حکومت مؤمنان در آخرالزمان

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ
لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا
يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار نماید، و یقیناً ایمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند، بدکار و نافرمان اند. (نور، ۵۵)

توضیح: آیات فراوانی از قرآن به تشکیل حکومت جهانی دینی در آخرالزمان اشاره می‌کند. (توبه، ۳۳ / فتح، ۲۸ / صف، ۹ / طه، ۱۳۲ / اعراف، ۱۲۸ و بسیاری از آیات دیگر) یکی از این آیات، همین آیه است که به روشنی از وعده‌ی نیکوی پروردگار در این زمینه خبر می‌دهد.

حدیث: امام سجاده علیه السلام: «هُمُ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ مقصود از این آیه، شیعیان ما هستند که خداوند این وعده را درباره‌ی آنان به دست مردی از خاندان ما عملی خواهد کرد. او مهدی این امت است.» مجمع البیان: ج ۷ ص ۲۳۹.

۳. حکومت جهانی مستضعفان

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا
فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های با ارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم. (قصص، ۵)

توضیح: قرآن در موارد متعددی از مؤمنان به مستضعفان در زمین تعبیر کرده است. این تعبیر ممکن است بدان جهت باشد که اغلب مؤمنان از طبقه‌ی مستضعف و ضعیف جامعه هستند، ولی بهتر است مستضعفین را به معنای مظلومان و محرومان از قدرت بدانیم. به هر حال، خداوند در این آیه نیز از برتری مؤمنان و عاقبت نیکوی آنان در مقابل مستکبران خبر داده است و این امر را سنت حتمی خود قلمداد کرده است. اگرچه این آیه مربوط به بنی‌اسرائیل و نجات آنان از چنگال ظلم و ستم فرعون است، ولی در روایات تحقق کامل این سنت پروردگار، در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام تطبیق داده شده است.

حدیث: امام علی علیه السلام: «لَتُعْطَقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضُّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ» وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...؛ به خدا سوگند! دنیا پس از سرکشی به ما روی می‌کند؛ چونان شتر ماده‌ی بدخو که با بچه‌ی خود مهربان شود. سپس حضرت این آیه را تلاوت کردند. «نهج البلاغه: حکمت ۲۰۹»

۴. امام زمان (عج): ذخیره‌ی الهی

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می‌گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم. (هود، ۸۶)

توضیح: یکی از القاب مشهور حضرت مهدی (عج) «بقیة الله» است. این لقب برگرفته از این آیه‌ی کریمه است. این آیه به تذکر و انذار حضرت شعیب (ع) به گرانفروشان امتش اشاره می‌کند و مقصود از «بقیة الله» در این آیه، درآمد و سودی است که از یک سرمایه‌ی حلال و خدایسندانه برای انسان باقی می‌ماند. این واژه در روایات متعددی بر وجود مبارک حضرت مهدی (عج) تطبیق شده است که ذخیره و باقی نگاه‌داشته‌ی خداوند برای هدایت بشریت است.

حدیث: امام باقر (ع) نخستین سخنی که مهدی پس از قیام خود می‌گوید، این آیه است. سپس می‌گوید: منم بقیة الله و حجت و خلیفه او در میان شما، سپس هیچ‌کس بر او سلام نمی‌کند؛ مگر این که می‌گوید: «السلام عليك يا بقية الله في أرضه» کمال الدین: ج ۱ ص ۳۳۱ ح ۱۶.

تولی و تبری

الف- ولایت خداوند بر مؤمنان

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ
يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ
أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

خدا سرپرست و یار کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور [ایمان، اخلاق حسنه و تقوا] بیرون می‌برد. و کسانی که کافر شدند، سرپرستان آنان طغیان‌گراند که آنان را از نور به سوی تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتش‌اند و قطعاً در آنجا جاودانه‌اند. (بقره، ۲۵۷)

توضیح: اساس دین مقدس اسلام و محور ایمان به خدا، پذیرفتن ولایت خدا و دوستانش و اظهار بغض و بیزاری نسبت به دشمنان اوست. این مطلب -که از آن در فروع دین به «تولی» و «تبری» یاد می‌شود- حقیقتی است که در آیات و روایات فراوانی به آن اشاره شده است. روشن است که محبت و عشق به اولیای الهی از آن جهت رکن مذهب شیعه و ستون خیمه‌ی اسلام است که در سایه‌ی آن، زمینه‌ی همراهی با آنان در عمل را نیز فراهم می‌آورد.

حدیث: امام صادق علیه السلام: «مقصود از این آیه، آن است که خداوند کسانی را که امام عادل را برای سرپرستی‌شان برگزیده‌اند، از تاریکی گناهان به نور توبه و مغفرت خویش رهنمون می‌شود و کسانی که اعمال صالح انجام می‌دهند و لی امام ستمگر را دوست دارند، به تاریکی‌های کفر می‌کشاند.» کافی: ج ۱ ص ۳۷۶ ح ۳.

ب- ولایت پیامبر ﷺ بر مؤمنان

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ... ﴿٦﴾

پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است ...
(احزاب، ۶)

توضیح: همان‌گونه که گذشت تولی دارای مراتب طولی متعددی است؛ یعنی از ولایت و دوستی خداوند آغاز و به ولایت پیامبر، امامان و اولیای الهی ختم می‌گردد. خداوند وجود مقدس پیامبر اسلام ﷺ را الگوی مؤمنان معرفی کرده و تأکید نموده که وی هیچ‌گاه اسیر هوا و هوس نمی‌گردد. از این رو، پذیرش ولایت پیامبر ﷺ در طول اطاعت از خدا و ولایت‌پذیری از پروردگار است. آیه‌ی فوق براین حقیقت گواهی می‌دهد که خواست و اراده‌ی وجود مبارک پیامبر اسلام ﷺ در همه‌ی موضوعات فردی و اجتماعی بر خواست مؤمنان اولویت دارد. بی‌گمان پذیرش چنین ولایتی به معنای ترجیح منافع شخصی فردی بر دیگران نیست؛ بلکه از آن جهت است که پیامبر اعظم ﷺ دارای مقام عصمت بوده و جز به مصلحت مؤمنان نمی‌اندیشد. مصادیق بارز ولایت‌پذیری از پیامبر پذیرش حکومت دینی، مرجعیت علمی و اطاعت در احکام قضایی و ... می‌باشد.

حدیث: امام باقر علیه السلام: «این آیه درباره‌ی حکومت و سرپرستی مسلمانان نازل شده و بعد از پیامبر ﷺ در فرزندان وی جاری است. پس ما از مهاجران و انصار برای این کار سزاوارتریم.» کافی: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۲.

ج- ولایت اهل بیت علیهم السلام بر مؤمنان

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند
علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می دارند و در حالی که
در رکوعند [به تهیدستان] زکات می دهند. (مائده، ۵۵)

توضیح: پیش از این در خصوص آیه ی فوق و شأن نزول
آن سخن گفته شد. این آیه از ولایت اهل بیت علیهم السلام بر مؤمنان
خبر می دهد. از تعبیر آیه به خوبی فهمیده می شود که ولایت
اهل بیت در راستای ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس مشیت خداوند
است. در متون حدیثی، آثار و نتایج گوناگونی نظیر سعادت و خیر
دنیا و آخرت برای محبت و ولایت پذیری نسبت به ائمه علیهم السلام آمده
است.

حدیث: امام باقر علیه السلام: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ
الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ
بِالْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج رکن استوار شده است: نماز و زکات و روزه
و حج و ولایت. و به هیچ یک به اندازه ی ولایت سفارش نشده
است.» کافی: ج ۲ ص ۱۸ ح ۱.

د- بیزاری از دشمنان پیامبر و اهل بیت (تبری)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا ﴿٥٧﴾

قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می کند، و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است. (احزاب، ۵۷)

توضیح: تبرّی به معنای اظهار بیزاری از دشمنان خدا و برائت از پیشوایان و پیروان کفر است. روشن است که لازمه ی محبت تمام عیار و صادقانه به یک شخص، مخالفت و بیزاری با دشمنان اوست. صلح و دوستی با دشمنان خدا و حتی دلسوزی نسبت به آنان، با ایمان به خدا و دوستی اولیای الهی جمع نمی شود. خداوند کریم خود در قرآن بارها کافران را مورد لعنت قرار داده و آن را خارج از دایره ی انسانیت دانسته است. در آیه ی ۴ سوره ی ممتحنه خداوند اظهار برائت حضرت ابراهیم علیه السلام و پیروانش از کفار را الگوی نیکی برای مؤمنان دانسته و آنان را از هرگونه دوستی و ارتباط نزدیک با کفار بر حذر داشته و عاملان این کار را ستم کاران حقیقی به خود، خدا و جامعه ی مسلمین خوانده است.

حدیث: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «اگر کسی خدا را در میان صفا و مروه هزار سال، و سپس هزار سال، و از آن پس هزار سال، عبادت کند، تا هم چون مشک کهنه شود، اما محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را به صورت در آتش می افکند.» مجمع البیان: ج ۹ ص ۴۳.